

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political Satire

طنز سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۳۰ جولای ۲۰۰۹

شکوه

(۳) در آلمان :

{ ج }

کار سیه، پودر و از چرس و بنگ
نقره و الماس و طلا و ز سنگ
صد رقمش ، پول کذاب و فریب
پُر شده در بانک ، مفادش به جیب
حاجی رجب جان ستر دین نگر
اسپ کمنست و خر دین نگر
راگ ، شده ورد زبانش همیش
طبله گکی بسته به پشت و به پیش
گه به کلیسا و کنیسا روان
گاهی به دیسکو و به اونجا دوان
حاجی رجب جان حضر دین نگر
چهره ای از مختصر دین نگر
یک شبی در مرکز (زنکت پاولی)
دامن شهوت شودش گل گلی

وقتِ عملِ خار به چشمش خلید
 از رخِ منحوس ، حجابش درید
 حاجی رجب جان شکرِ دین نگر
 شب بگذشت و سحرِ دین نگر
 حال که جادوگر و ملا شده
 هم کُف و هم چُف به مریضا شده
 بسکه شده پخته دَمَش ، بر زنان
 داکترِ روحی شده بر دختران
 حاجی رجب جان اشرِ دین نگر
 عیش و عیاشی ، بَطَرِ دین نگر
 حاجی رجب باز روان سوی حج
 تا نرود بارِ دگر راهِ کج
 رفته به حج ، توبه ز تقصیر کرد
 پای حریفان ، همه زنجیر کرد
 حاجی رجب جان خضر دین نگر
 سرخ و سفید از خطر دین نگر
 پولِ حش عایدی از سوسیال
 یا که ز کارِ سیه و مکر و چال
 نه خبری بودی ز زکاتِ او
 نه اثر از خُمس و مَبَرَّاتِ او
 حاجی رجب جان سُورِ دین نگر
 اینهمه نیرنگ و ، جرِ دین نگر

شِکوه

(۳) در آلمان :

{ د }

آنچه خریدی ز فلُومارکتها
 جمله نمودی همه را جابجا

آنهمه اجناس ، چو قاچاق شد
یا که سیه نقد و سر طاق شد
حاجی رجب جان قصر دین نگر
سود و مفاد و ضرر دین نگر

بقیه دارد